

# آموزش فراگیر راهی برای غلبه بر جداسازی

(قسمت دوم و پایانی)

مترجم: دکتر بابک خویین

## خلاصه قسمت اول

در بخش اول این مقاله نویسنده ضمن بر شمردن تلاش‌ها و تحولات در زمینه آموزش همگانی توسط سازمان‌های دولتی و غیردولتی بین‌المللی، نارسایی شیوه‌ها و برنامه‌های رایج آموزشی را مورد تأکید قرار داده و از آموزش فراگیر به‌عنوان تحولی در نظام آموزشی یاد می‌کند. در ادامه ضمن تعریف آموزش فراگیر، چالش‌های موجود در جوامع فرازوی این آموزش را تبیین می‌نماید و این چالش‌ها را از نظر دشواری و جداسازی، تأمین و سازمان‌دهی آموزش، عوامل اجتماعی و اقتصادی، نگرش‌ها، برنامه‌های درسی، زبان و ارتباطات، تمرکز در نظام آموزشی، توسعه نامناسب و از هم گسیخته منابع انسانی و بودجه دانسته و آنها را تشریح می‌کند.



## بهبود کیفیت آموزش

برنامه‌های آموزشی - چالش‌ها و امکانات فراگیر  
در هر نظام آموزشی، اهمیت برنامه‌های آموزشی به حدی است که می‌تواند نقشی به‌عنوان یک مانع بزرگ و یا برعکس ابزاری تسهیل‌کننده در گسترش آموزش فراگیر ایفا کند. در بسیاری از ساختارهای آموزشی، برنامه‌ها بسیار مفصل و دشوار هستند یا مرکز‌گرا بوده و انعطاف لازم را ندارند، در صورتی که انعطاف‌پذیری برنامه‌ها با معلمان و انطباق با مناطق مختلف تجربه‌ای است که برای دستیابی به شرایط جدید باید مورد بررسی قرار گیرد. اگر برنامه‌ها با واقعیت‌های زندگی دانش‌آموزان فاصله داشته باشند، غیر قابل دسترس بوده و ترغیب‌کننده نخواهند بود. علاوه بر این گرایش برنامه‌ها به سوی جنسیت‌خاص، ایجاد حس تحقیرکنندگی را در بر خواهد داشت. گسترش روزافزون بررسی‌های حاصل از نتایج اجرای

آموزش فراگیر در تعدادی از مدارس و مراکز آموزشی گوشه و کنار دنیا قابل توجه است. بر این اساس شاه‌کلید برنامه‌های آموزشی با هدف سوق دادن آنها به آموزش فراگیر شامل موارد زیر می‌باشند:

• هدف‌های مشترک یعنی کسب دانش، مهارت و ارزش‌های قابل دسترس، برای همه تعریف شود (نه گروه خاصی).

• یک ساختار انعطاف‌پذیر، پاسخگو به نیازهای متفاوت و ایجاد فرصت‌های گوناگون برای تمرین و آموزش در تمامی حوزه‌های اساس آموزش، امکان اعمال روش‌های نو و سطوح مشارکت همگانی را فراهم کند.

• ارزیابی براساس پیشرفت‌های فردی صورت پذیرد.

• پذیرش همه دانش‌آموزان با وجود تفاوت‌های زبانی، مذهبی و فرهنگی صورت گیرد.

• توجه به درون‌مایه، دانش و مهارت‌های مربوط به دانش‌آموزان با توجه به پیشینه‌ای که هر یک دارا می‌باشند مد نظر قرار می‌گیرد (یونسکو، ۱۹۹۹).

در اکثر مراکز، حجم وسیعی از تعلیم و تربیت براساس یادگیری طوطی‌وار و سطحی (متکی بر حفظ مسائل بدون تفکر و اندیشه) بوده و صرفاً در حفظ نمودن کتاب مرجع و جزوه‌ها خلاصه می‌شود. تعجب‌آور نیست که این روش نه می‌تواند قابلیت و عطش دانش‌آموزان را سیراب کند و نه قادر است نقطه اتکایی برای آنان باشد

برنامه آموزشی می‌تواند حرکت به سوی هرچه فراگیرتر نمودن نظام آموزشی را تسهیل کند، به شرطی که خود را از قید و بند داشتن یک کلاس از یک مرکز آموزشی یا معلم ویژه و خصوصاً برهاند و این میسر نیست مگر ایجاد انطباق به طوری که هماهنگی بهتری را در ساختارهای منطقه‌ای و برای دانش‌آموزان خاص ایجاد کند:

در اوگاندا به دلیل وجود یک حساسیت خاص فرهنگی و برای دستیابی همه اقشار خاص مثل ایلاتی ها و کوچ نشینان، گله داران و افراد ساکن در مناطق بسیار آسیب پذیر شمال شرق اوگاندا، برنامه آموزشی قابل انعطافی طراحی شده است. برنامه آموزش ملی تابع نحوه زندگی افراد، فعالیت های اقتصادی، ملاحظه های محیطی، بافت سیاسی-اجتماعی و مقاومت ها در برابر مدارس عادی نمی باشد.



یک سری برنامه های آموزشی تطبیقی نیز طراحی شده است که براساس نیاز به مهارت های خاص و دانش بومی در نظر گرفته شده اند، از جمله می توان به مهارت های ضروری در الگوی زندگی به روش چوپانی مثل دامپروری، آب رسانی به مراتع، حفاظت محیط زیست، فوریت های اعلام خطر و سایر رسوم فرهنگی مثبت اشاره کرد. طرح و گسترش آموزش خاص و ابزارهای آموزشی به همان اندازه اهمیت دارد که بتوان مقدمات آموزشی و توجه به نیازها، علاقه مندی ها، آرزوها و اقلیت های روستایی را نیز مد نظر قرار داد (یونسکو، ۲۰۰۰).

از یک ناتوانی ذهنی دارد، او در مدرسه عادی محل سکونت خود ثبت نام کرد. خانم کامفورت معلم پایه اول اریک باور دارد که قابلیت های دانش آموزان با یکدیگر تفاوت دارد. او از آگاهی و تجربه اش در طراحی طیفی از تمرین های آموزشی و روش های یادگیری که براساس قابلیت ها و توانایی های فردی پایه گذاری شده بود استفاده کرد.

**مشارکت والدین باید به عنوان یک عامل مؤثر، ضروری و تأثیر گذار در افزایش کیفیت خدمات آموزشی مد نظر قرار گرفته و اعمال شود**

دانش آموزان پایه اول کلاس خانم کامفورت در یک کارناوال

(جشن در شهر بازی) شرکت کردند. آنها روی درک مفاهیم مربوط به فناوری تمرکز کردند و از آنان خواسته شد تا سیستم های متنوعی را که در کارناوال مشاهده کردند، شرح دهند. فراتر از بحث های گروهی در کلاس، تصمیم گرفته شد نظام موجود در یک چرخ و فلک شرح داده شود. بخشی از توضیح ها نشان دهنده طرحی از یک چرخ و فلک است.

خانم کامفورت به این موضوع واقف است که اریک توانایی استفاده از قیچی را دارد (قابلیت هنری زیبایی شناسی). خانم از او خواست تانی هایی را به طول های برابر ببرد و به این وسیله اندازه گیری را یاد بگیرد (قابلیت استدلال). هم کلاس های اریک یعنی استدلال و جان از نی هایی که اریک به اندازه های برابر بریده بود در طراحی و ساخت ماکتی از چرخ و فلک استفاده کردند (قابلیت های زیبایی شناسی، خلاقیت، استدلال). در واقع خانم کامفورت مجموعه ای به هم پیوسته از تکلیف های طبقه بندی شده با پیچیدگی های متفاوت که دانش آموزان را به کار می گیرد، به وجود آورد (یونسکو، ۱۹۹۹).

در اجرای برنامه های آموزشی، زبان تدریس می تواند مشکلاتی را برای بسیاری از دانش آموزان ایجاد کند. در بسیاری از کشورها زبان آموزشی با زبانی که دانش آموزان در اجتماع و خانه توسط آن ارتباط برقرار می کنند، متفاوت است، در نتیجه مشکلاتی در تفهیم دروس برای دانش آموزان به وجود می آید. در بسیاری از کشورها نظام آموزشی از زبانی استفاده می کند که به عنوان زبان مادری اکثر دانش آموزان به شمار نمی آید، اما زبان رایج آن کشور است؛ در برخی از کشورها نیز این امکان وجود دارد که دانش آموزان زبان مورد نظر خود را انتخاب کنند.



عکس از فریده کریمی

**سنجش و ارزیابی روند گسترش آموزش فراگیر**

روش تکرار و دوره، در اکثر کشورها به عنوان یک راه حل برای آموزش دانش آموزان با مشکلات یادگیری به کار می رود، گرچه مدرک قاطعی در اختیار نمی باشد تا بتوان به این نحو عمل





کرد. در مدرسه نیز باور بر این است که موفقیت های آموزشی کودکان در درجه اول بازتاب استعداد هوشی آنها می باشد؛ در صورتی که وضعیت نامناسب زندگی دانش آموزان متعلق به مناطق محروم، حتی اگر از استعداد هوشی خوبی نیز برخوردار باشند می تواند انگیزه های آنها را در استفاده از فرصت های آموزشی از بین ببرد، دانش آموزانی که برخلاف هم کلاسی هایشان قادر به ارتقا از کلاس پایین تر نمی باشند، تجربه ای تلخ از عدم خودباوری را پشت سر می گذارند و این به مثابه نزولی در رویکرد به تحول نظام آموزشی می باشد. در نهایت دانش آموزانی که نیازمند تکرار و دوره مکرر دروس می باشند، کاندیدای ترک تحصیل دائمی خواهند شد (یونسکو، ۱۹۹۸).

دانش آموزان در مقابل نتایج آشکاری که انتظار می رفت در پایان هر دوره آموزش ایجاد شود مورد ارزیابی قرار گرفت، از جمله آن می توان به بررسی مهارت های عمومی، توانمندی ها و ارزش های آموزشی اشاره کرد. این روش ارزیابی می تواند به طور مداوم مورد بررسی قرار گیرد تا بازتاب چگونگی آموزش کودکان و موفقیت معلمان در انتخاب روش های مناسب آموزشی و به همان نسبت انطباق نیازها با سرعت پیشرفت و شیوه آموزش را مورد بررسی قرار دهد. نکته مهم امکان ارزیابی همه دانش آموزان بر اساس موفقیت هایشان می باشد، نه آنکه ارزیابی بر پایه مقایسه آنها با یکدیگر صورت گیرد.

**نشان داده شده است که نگرش مثبت معلمان نسبت به آموزش فراگیر به تجربه آموزشی آنها با دانش آموزان خاص چالش برانگیز، سطح تحصیلات معلم، حمایت های موجود، اندازه کلاس و حجم کاری بستگی دارد**



عکس از آیدنا تاظمی مفیسی

هنگامی که محدودیت هایی در ساختار عملی امتحانات به ویژه در اعتبار و پایایی آنها وجود داشته باشد، به طبع آن تاثیرهای نامطلوب به جا خواهد ماند، از جمله متزلزل نمودن رشد استعدادها، فروپاشی حقایق عینی و به وجود آوردن نظام دسته بندی مدارس و جداسازی کودکان، از سوی دیگر محور قرار دادن این گونه آزمون ها باعث می شود معلمان روش آموزش خود را بر مبنای گذر از سد این آزمون ها بنا نهند و جنبه نامطلوب دیگر آن به وجود آوردن فضای سوگیری، با نگاه به جنسیت، ملیت، قومیت، و طبقه اجتماعی خواهد بود (ساپوویتز و برنان، ۱۹۹۷).

در نظام آموزش فراگیر به برنامه ای نیاز می باشد که با انعطاف پذیری کامل قادر باشد نتایج مطلوب سازگار شده ای را با مجموعه ای از سنجش، ارزیابی و آزمون مورد استفاده قرار دهد. سنجش کودکان به طور فزاینده ای به هدف های برنامه های آموزشی، فرهنگ و شرح حال تجربی کودک و چگونگی طراحی برنامه آموزشی بستگی دارد و ارایه آن به شکل زیر خواهد بود:

**روند سنجش و ارزیابی در آموزش فراگیر**

در نتیجه یک بررسی روی برنامه آموزشی، پیشرفت

در این روش امکان ارزیابی با انعطاف پذیری در زمان و شیوه آزمون میسر می باشد به طوری که فراگیر بر اساس کسب اطلاعات جدید، مهارت های نو، افزایش قابلیت ها و حتی توسعه و تحول رفتاری مورد سنجش قرار می گیرد و حتی هنگامی که آموزگار محتوای یک موضوع را به پایان می رساند، در وضعیت عادی کلاس درس نیز می توان این ارزیابی ها را انجام داد (واحد ملی آموزش، ۱۹۹۷).

ارزیابی گزینشی، در این روش نتایج تلاش فراگیران از قبیل شاخص ترین عملکردهای ایده آل، پیشرفت های آموزشی، کسب تأییدیه ها و مدارک، هدف های به ثمر رسیده و ارزیابی ها توسط خود فرد و مشاهده های آموزگاران از پیشرفت های آموزشی مورد توجه قرار می گیرند. بررسی هانشان می دهند که در روش ارزیابی گزینشی، عوامل ایجاد تبعیض همچون نژاد، قومیت، جنس و طبقه اجتماعی در حدود ۷۵ برابر نسبت به آزمون های استاندارد شده مرسوم کاهش یافته است. طبیعی است که کاهش شکاف طبقاتی ناشی از اختلاف جنسیت، دختران طرفدار نظام ارزیابی گزینشی را افزایش داده است (ساپوویتز و برنان، ۱۹۹۷).

### چند گام به جلو

بررسی صورت جلسه های آموزشی نشان می دهد که با ارایه صحیح برنامه ها و روش های آموزشی، سازمان دهی آموزش

فراگیر به افزایش بودجه نیازی ندارد، از طرفی همین بررسی، تحلیلی از عدم موفقیت نظام‌های آموزشی در ایجاد آموزش همگانی در اختیار می‌گذارد. این بررسی همچنین سعی دارد که دو نظام را در کنار یکدیگر مقایسه کند و در خصوص کیفیت آموزش هریک و نقش هریک در ایجاد اختلال‌های بیشتر به بحث بپردازد. هدف رسیدن به کارهایی است که بانوآوری و روش‌های نوین در ساختارهای گزینش و بهبود موانع آموزشی به ویژه با تمرکز بر روی گروه‌های آسیب‌پذیر بتواند به نتایج قابل قبول دست یابد. این روش‌ها به طور تفصیلی در گزارش عملکرد اجلاس داکار توصیه شده است:

**«برای جذب و حفظ کودکان مربوط به گروه‌های طرد شده، نظام‌های آموزشی باید نسبت به شرایط این کودکان انعطاف‌پذیر باشند، فراگیر بوده و به شکلی فعال، کودکانی را که نام نویسی نکرده‌اند جست و جو نموده و پاسخگوی نیازهای آنان با توجه به شرایط هریک باشد.»**

«برای جذب و حفظ کودکان مربوط به گروه‌های طرد شده، نظام‌های آموزشی باید نسبت به شرایط این کودکان انعطاف‌پذیر باشند، فراگیر بوده و به شکلی فعال، کودکانی را که نام نویسی نکرده‌اند جست و جو نموده و پاسخگوی نیازهای آنان با توجه به شرایط هریک باشد.» (آموزش برای همه: اجلاس سراسری متعهدین) گزارش تفصیلی براساس چهارچوب عملکرد اجلاس داکار، پاراگراف ۲۳) نمونه‌ای از موانع موجود در ساختار نظام آموزشی افریقای جنوبی که آمیخته‌ای از واقعیت‌های روزمره در نظام آموزشی به شمار می‌رود به تصویر کشیده شده است. راه حل‌هایی که همه چیز را به سرعت سر جای خود قرار دهد وجود ندارد و یا نسخه‌ای همچون دستورهای کتاب آشپزی که بتوان با فرمولی معین و سریع، تغییرهای آموزشی ایجاد کرد، در دسترس نمی‌باشد. با وجود این روش‌هایی که تسهیل‌کننده پیشرفت به سوی نظام آموزشی فراگیر باشد توصیه شده است:

**غلبه بر موانع موجود در مراکز آموزشی**

در مراکز آموزشی نتایج ارزشمندی در طی بررسی‌های بیشتر به منظور ترویج همگانی به دست آمده است. مقایسه‌ای که صورت گرفته است (اینسکو<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۹-فاین<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۰، یونسکو<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۰) براساس تجربه‌های کسب‌شده بر روی روش‌های پیشرفته

در برخی از کشورها می‌باشد.

**حرکت به سوی فراگیر نمودن هر چه بیشتر**

مراکز آموزشی به عنوان بخشی از وظایف مراکز در نظر گرفته می‌شود و تغییر و تحول نیازمند فعال نمودن روش‌های دستیابی به هدف‌های مورد نظر است. در واقع انطباق با روش‌های آموزش فراگیر باید به عنوان یک روند در نظر گرفته شود نه اینکه به صورت یک طرح یا تفکر باقی بماند. از طرفی در مراکز آموزشی عواملی وجود دارند که با مقاومت‌های معمول در برابر تغییرها به شکلی هماهنگ عمل می‌کنند و در پیشرفت به سوی تحولات خلل ایجاد کرده و اجرای برنامه‌ها را مهار می‌کنند. در واقع باید پیشرفت به سوی فراگیر شدن با سیاست‌های مراکز آموزشی یا نظام آموزشی به صورت یکپارچه عمل کنند، همچنین منابع مالی نباید صرف روش‌هایی شود که تأثیری بر پیشرفت کلی ندارند، مشکلاتی نیز در زمینه عدم حمایت از تمامی گروه‌های طرد شده وجود دارد، در واقع بعضی از سیاست‌ها، فقط بر روی گروه‌های معینی توجه می‌شود، مانند توجه ویژه به کودکانی با ناتوانایی‌های خاص یا بر روی گروه‌های اقلیت (فاین، ۲۰۰۰).

**حمایت‌های قومی از سوی پیشگامان**

دست‌اندرکاران تحول در نظام آموزشی می‌بایست زمان و منابع ضروری مالی را که برای مراحل تغییر در برنامه‌ها، معلمان و سایر کارمندان اختصاص دهند.



**مسائل مربوط به مکان و فضای آموزش**

عواملی مثل مسافت‌های طولانی یا خطرات جاده در دسترسی به مراکز آموزشی و یادداشت آموزشی که برای رفت و آمد دچار مشکلاتی هستند، ایجاد ورودی و خروجی مناسب در مدارس و سازمان‌دهی کلاس‌ها به شکلی که برای هر دانش‌آموز مناسب باشد. به علاوه چگونگی طراحی محیط فیزیکی مراکز آموزشی همچون طراحی ساختمان، دسترسی به آب آشامیدنی،



مجله‌ها، روزنامه‌ها و سایر ویژه‌نامه‌های مربوط به آموزگاران و دانش‌آموزان، می‌تواند مانعی بزرگ در افزایش کیفیت آموزشی باشد. مدرسان به حمایت‌های حرفه‌ای مانند گسترش فرهنگ اطلاع‌رسانی و تجهیزات زیربنایی مناسب برای به روز نمودن اطلاعات و دانسته‌ها و آماده‌سازی مکرر به منظور بالا بردن سطح کیفی تعلیم و تربیت نیازمندند. تجهیزات کمک آموزشی به طور قابل ملاحظه‌ای کیفیت مراحل آموزشی را بالا برده و رضایت کاری دانش‌آموزان و معلمان را تقویت می‌کند.

- شیوه‌های آموزش/یادگیری اغلب در انعطاف و انطباق با علاقه‌ها و استعدادها، گوناگون در جمعیت‌های ناهمگون دانش‌آموزی دچار کمبودهایی هستند. در اکثر مراکز، حجم وسیعی از تعلیم و تربیت بر اساس یادگیری طوطی وار و سطحی (متکی بر حفظ مسائل بدون تفکر و اندیشه) بوده و صرفاً در حفظ نمودن کتاب مرجع و جزوه‌ها خلاصه می‌شود. تعجب آور نیست که این روش نه می‌تواند قابلیت و عطش دانش‌آموزان را سیراب کند و نه قادر است نقطه اتکایی برای آنان باشد.



#### ● آغاز با تمرین‌ها و اطلاعات موجود

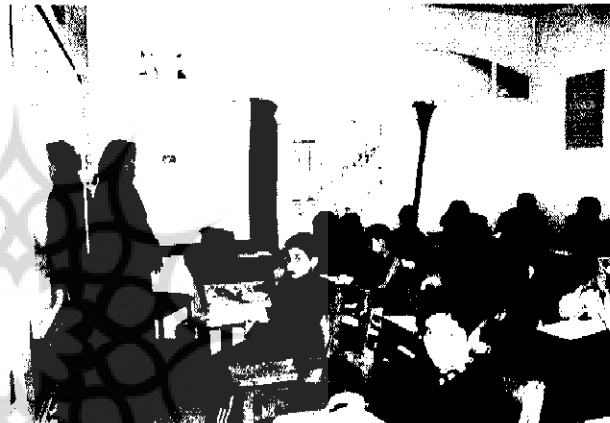
از ایه دهندگان مدارک بین‌المللی توصیه می‌کنند که لازم است مراکز آموزشی بیش از نیازشان اطلاعات کسب کنند. نکته اصلی استفاده بهینه از تخصص‌ها و خلاقیت‌های موجود در زمینه‌های مختلف آموزشی است. تحقق این پیشنهادها نیازمند تلاش بر روش‌های حمایت از معلمان در توسعه راه‌های گوناگون تجزیه و تحلیل عملکرد آموزشی آنها می‌باشد. به علاوه باید توجه داشت که در بررسی این عملکردهای آموزشی مشخص شود که روش‌های موجود خود به عنوان موانعی در اجرای آموزش همگانی عمل نکنند.

#### ● نگاهی به تفاوت‌ها به عنوان فرصت‌هایی برای یادگیری

بررسی ساختارهای فعلی نشان می‌دهد که ما نیازمند راهکارهای موقت هستیم تا آموزگاران بتوانند به واکنش‌های

تسهیلات برق و دستشویی و توالت نیز می‌تواند تأثیرهای مهمی در وضعیت تحصیل دانش‌آموزان ایجاد کند.

در بعد دیگری از بررسی‌ها، اگر مدارس قادر به مقابله صحیح با خشونت، زورگویی و اعتیاد بین دانش‌آموزان، دانش‌آموزان و معلمان یا کارمندان نباشند خود به عاملی برای طرد تبدیل می‌شوند. به طور حتم والدین فرزندان‌شان را به مراکز آموزشی که سلامت جسمی و روحی آن‌ها را تضمین نمی‌کنند، نخواهند فرستاد، خود دانش‌آموزان و آموزگاران نیز نمی‌توانند در محیط آموزشی ناسالم فعالیت مستمر آموزشی داشته باشند. حمایت معلمان اهرمی حیاتی در توسعه هر چه بیشتر آموزش فراگیر این حمایت می‌تواند شامل موارد زیر باشد:



#### ● بهره‌وری از منابع موجود به منظور حمایت‌های آموزشی

اساس مراحل دستیابی به آموزش فراگیر، تأکید بر مفیدترین بهره‌وری از منابع موجود است. به طور مثال گسترش راهکارهایی که استفاده از انرژی و قابلیت فردی را بالا می‌برد و از این راه ارتباط بین آموزگاران، کارمندان، والدین و خود دانش‌آموزان تقویت می‌شود. جالب است بدانیم دلایل مستندی در دست است که نشان می‌دهد روابط دانش‌آموزان با یکدیگر می‌تواند بر گسترش هر چه بیشتر آموزش فراگیر تأثیر بگذارد و در واقع در وضعیت نهایی همه دانش‌آموزان بهبود ایجاد کند.

**مدرسان به حمایت‌های حرفه‌ای مانند گسترش فرهنگ اطلاع‌رسانی و تجهیزات زیربنایی مناسب برای به روز نمودن اطلاعات و دانسته‌ها و آماده‌سازی مکرر به منظور بالا بردن سطحی کیفی تعلیم و تربیت نیازمندند**

کمبود تجهیزات کمک آموزشی و کافی نبودن و عدم تنوع در

متفاوت از سوی دانش آموزان پاسخ دهند. آنهایی که نمی توانند خود را با نظام های موجود انطباق دهند، نشانگر بازتاب ها و واکنش های غیرمنتظره ای است که نیاز به حضور راهکارهای موقت را بیش از پیش آشکار می نماید. در واقع این واکنش ها بر جنبه های مثبت تفاوت ها بین دانش آموزان دلالت می کند. هم چنین واکنش های موجود، حضور یک اعتماد به نفس حرفه ای را می طلبد تا بتواند راه خود را از راه تداوم و استمرار آموزش و پرورش بگشاید.

**در نظام آموزش فراگیر به برنامه ای نیاز می باشد که با انعطاف پذیری کامل قادر باشد نتایج مطلوب سازگار شده ای را با مجموعه ای از سنجش، ارزیابی و آزمون مورد استفاده قرار دهد**

### پیچیدگی ها در جوامع

مراکز آموزشی اغلب از جوامع خود فاصله گرفته اند و حتی در مواردی با آنها در تضاد هستند. از این رو پیشنهاد می شود تا از خدمات و نظرات اولیا و جوامعی که دانش آموزان جزئی از آن هستند استفاده شود (برنارد، ۲۰۰۰). بنابراین مشارکت والدین باید به عنوان یک عامل مؤثر، ضروری و تأثیر گذار در افزایش کیفیت خدمات آموزشی مدنظر قرار گرفته و اعمال شود. باید اذعان داشت که برای دستیابی به نظام فراگیر، والدین و خانواده سهمی حیاتی داشته و نه تنها در آموزش کودکان بلکه حضورشان به عنوان مشارکت مثبت در تصمیم گیری ها و طرح مراحل آموزشی بسیار حائز اهمیت است. از سویی روند اجرایی طرح ها نشان می دهد والدینی که اغلب نقش بیشتری را ایفا کرده اند، از گروه های مشمول یا دارای وضعیت مالی مناسب تر بوده اند. پس یک چالش بزرگ نزدیک شدن به دانش آموزانی است

که طرد شده یا از گروه های محروم هستند. یک راهکار، مشارکت دادن خانواده های محروم با ایجاد تسهیلات آموزش همگانی برای بزرگسالان در نزدیک مراکز آموزشی بوده تا بتوانند آموزش فرزندان شان را تعقیب نمایند. همچنین مراکز آموزشی باید در ارائه اطلاعات در خصوص آموزش دانش آموزان به والدین کوشا باشند و این اطلاعات را با زبانی ساده و قابل درک و با کلماتی که برای تمام اقشار قابل فهم باشد فراهم نمایند (یونسکو، ۲۰۰۱).

### نقش بازآموزی و آموزش دست اندکاران آموزشی

نشان داده شده است که نگرش مثبت معلمان نسبت به آموزش فراگیر به تجربه آموزشی آنها با دانش آموزان خاص چالش برانگیز، سطح تحصیلات معلم، حمایت های موجود، اندازه کلاس و حجم کاری بستگی دارد. مطالعه ای که به تازگی در کشور رومانی انجام شد (۲۰۰۱) نشان داد که نگرش منفی معلمان و بزرگسالان مانع بزرگی در آموزش فراگیر است. از سوی دیگر کودکان و دانش آموزان هیچ گونه پیش داوری و نظر منفی نسبت به آن نداشتند، مگر تأثیری که در اثر القای بزرگسالان در ذهن آنها نقش بسته بود.

چالش های متعددی در روند آموزش معلمان برای رویارویی با مسائل انتقال به سوی آموزش فراگیر وجود دارد. معمولاً سطح علمی متخصصان مرتبط در حد بالایی قرار دارد ولی این مورد در مورد آموزگاران عادی صدق نمی کند. عامل بازدارنده مهمی که در زمینه سازی یا در هنگام ارائه خدمات بازآموزی معلمان توسط مراکز آموزشی ویژه به چشم می خورد، عدم تجربه و مهارت های حرفه ای مختص نظام فراگیر می باشد. به علاوه آموزش معلمان در ارتباط با پیشرفت دانش و مهارت تا آنجا اهمیت دارد که گاهی این تردید به وجود می آید که نگرش ها، ارزش ها و ذهنیت هایی که در مورد آموزش فراگیر وجود دارد، از درجه اهمیت کمتری نسبت به آن برخوردار هستند.

### زیر نویس ها:

- 1-Jomtien
- 2- Unesco
- 3-Dakar
- 4-Salamanca
- 5-Booth
- 6-Apartheid
- 7-Mpumalanga
- 8-EFA
- 9-Meijer
- 10-Supovitz
- 11-Brennan
- 12-Ainscow
- 13-Fine

منبع:

